



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ / اردیبهشت / ۱۳۹۹

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

مصادف با: ۲۴ رمضان ۱۴۴۱

موضوع جزئی: موانع محتوایی اعتبار - مانع چهارم: مذمت زنان در نهج البلاغه

- بررسی مانع چهارم - مرحله اول

جلسه: ۳۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم یکی از اموری که فی نفسه به عنوان یک معضل و مشکل در نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته و همچنین به عنوان یک مانع در اعتبار نهج البلاغه معرفی و شناخته شده، مذمتی است که حضرت علی (علیه السلام) در موضعی از نهج البلاغه نسبت به زنان کرده‌اند.

شش موضع را ذکر کردیم و عرض کردیم این موارد چه بسا قابل تایید بوسیله بعضی از آیات و روایت دیگر هم باشد. در پاسخ عرض کردیم این مسئله باید طی سه مرحله مورد بررسی قرار بگیرد.

ادامه مرحله اول

مرحله اول اینکه به طور کلی نگاه معارف دینی به موضوع زنان تبیین شود و معلوم شود که اساساً قرآن، روایات و ائمه معصومین (علیهم السلام) چه دیدگاهی درباره زن دارند و چه جایگاهی برای آن ترسیم کردند. در مرحله اول عرض کردیم در چهار محور این موضوع قابل تعقیب است، در جلسه قبل شش آیه را ذکر کردیم.

محور دوم: روایات

روایات متعددی داریم که بر اساس آن روایات زن نه تنها مذموم واقع نشده بلکه مورد تکریم نیز قرار گرفته است.

روایت اول

در روایتی از رسول خدا وارد شده که ایشان می‌فرماید: «كُلَّمَا ازدادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا ازدادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»^۱

هر اندازه به ایمان بندگان خدا افزوده شود، محبت زنان در قلب آنان بیشتر می‌شود.

طبق این روایت پیامبر گرامی اسلام حب نساء را نشانه ایمان دانسته، حال چطور می‌شود که بگوییم زن موجودی است که محبت آن نشانه ایمان است اما این موجود یک فهرست بلند و بالایی از این ضعف‌ها و نقص‌ها را دارد، اینکه زن اساساً مجسمه فساد است و این قابل جمع با این مطلب نیست.

روایت دوم

^۱ دعائم الاسلام (چاپ آل البيت)، ج ۲، ص ۱۹۲، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ أَخْلَقَ الْأَنْبِيَاءَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ) حُبُّ النِّسَاءِ»^۱؛

امام (علیه السلام) می فرماید: یکی از اخلاق پیامبران دوست داشتن و محبت زنان است.

اینکه حضرت حب النساء را از اخلاق انبیاء قرار داده، معلوم می شود یک خلق مشترک بین همه انبیاء وجود دارد یعنی مختص یک نبی خاص نیست و این به آن بعد کمال وجودی انبیاء بر می گردد و اینکه به هر حال کانه این ویژگی در همه انبیاء باید باشد، این نشانه کمال در یک انسان تلقی و قلمداد شده که نسبت به زنان محبت داشته باشند. حال چطور این مطلب با آن مسائل قابل جمع است؟

روایت سوم

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ»؛

زنان شقیقه مردان هستند. یعنی نیمه دوم مردان هستند.

اینکه زن را نیمه دوم مرد قرار داده اند یعنی مکمل مرد است، آن وقت چطور یک موجودی با آن همه مسائل و مطالبی که گفته شد می تواند مکمل مرد باشد؟

روایت چهارم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ الَّتِي إِذَا انْفَقَتْ انْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَإِذَا أُمْسَكَتْ أُمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنَ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ»^۲؛

بهترین زنان آن زنی است که اگر انفاق کند به معروف انفاق می کند، اگر هم خود نگه دار باشد خود را در معروف نگه داری می کند و چنین زنی یکی از کارگزاران خداوند تبارک و تعالی است، تلک عامل من عمال الله.

حال آیا می توانیم بگوییم زن از دید اسلام یک موجود ناقص العقل و الایمان است، و در این صورت چطور با این عامل من عمال الله قابل جمع است؟ پس معلوم می شود طبیعت و جنس زن اینطور نیست که این نقص ها و مشکلات در وجود او باشد.

روایت پنجم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»؛

بیشتر نیکی ها در زنان است.

روایت ششم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْخَيْرَاتُ الْحَسَنَاتُ مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ هُنَّ أَجْمَلُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ»^۳؛

زنان نیکوکار از اهل دنیا در آخرت از حورالعین زیباترند.

این ها تعبیر کمی نیست، حالا ممکن است بعضی از این روایات از نظر سندی آن قوت لازم را نداشته باشند اما بعضی از این ها واقعا از نظر سندی روایات معتبری هستند.

^۱ اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، تهذیب ج ۷، ص ۴۰ ..؟؟؟؟؟

^۲ علل الشرایع، ج ۳، ص ۲۷۹.

^۳ من لایحضر الفقیه، جلد ۳، ص ۳۸۵.

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق در مورد زنان می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النَّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكْنًا وَمُسْتَرَاحًا وَأُنْسًا وَوَاقِيَةً وَكَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَيُكْرِمَهَا وَيَرْفُقَ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَطَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَكَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَالْمُؤَانَسَةِ وَمَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَذَلِكَ عَظِيمٌ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛

می‌فرماید: حق آن کسانی که با ازدواج به ملک تو در می‌آیند این است که بدانی خداوند تبارک و تعالی آن‌ها را مظهر آرامش، راحتی، انس و مراقبت از تو قرار داده است، بعد می‌فرماید: بر شما است که خداوند را به خاطر دیگری شکرگزار باشد و (مرد و زن) بداند که این نعمتی از جانب خدا است و لازم است همنشینی این نعمت را نیکو بدارد و به او احترام گذارد و با او مهربانی کند گرچه حق او بر تو باشد و اطاعت تو نسبت به آنچه که او دوست می‌دارد یا از آن کراهت می‌دارد، مادامی که معصیت نباشد لازم‌تر است، چرا که او حق مهربانی و انس و الفت دارد و کانون آسایش و آرامش و برخوردار می‌باشد و بهره‌مندی را دارد که باید اداء شود و این حقی عظیم است و برای حسن انجام آن توان و پناهی جز خدا نیست.

این دیگر اوج تکریم نسبت به زنان است و حقوقی که در زندگی نسبت به مرد دارد، تا مادامی که معصیت خدا نباشد، می‌گوید: اطاعت تو نسبت به او در آنچه که او دوست می‌دارد یا از آن کراهت دارد لازم‌تر است، یعنی مراعات خواسته او لازم‌تر است تا مراعات خواسته خودت، به هر حال تعبیر بلندی در این کلام نورانی امام سجاد (علیه السلام) بیان شده است.

این چند روایت اجمالاً کافی است برای اینکه بدانیم ائمه معصومین (علیهم السلام) و پیامبر گرامی اسلام چه دیدگاهی در مورد زنان داشتند و اینکه به نظر آنان زن باید تکریم شود.

محور سوم: نمونه‌های تاریخی

در طول تاریخ بویژه در تاریخ اسلام از زنان به نیکی یاد شده که بعضاً مراتب و مدارج عالی‌ه کمال را طی کردند و همانطور که در جلسه قبل نیز عرض کردم در مواردی حتی به تعبیر قرآن الگو و اسوه شده‌اند. این زنان برخی در خود قرآن مورد ستایش واقع شدند و برخی نیز در تاریخ نام آنها ثبت و ضبط شده است و به عنوان شخصیت‌های برجسته مورد توجه قرار گرفتند.

قبل از اسلام

۱. حضرت مریم: در قرآن نام حضرت مریم به عنوان یک زن برجسته برده شده است. قرآن درباره مریم دختر عمران و مادر حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛^۱ این نشان می‌دهد که ایشان بر همه زنان عالم برتری داشته است، البته درست است که این یک فرد استثناء است ولی معلوم می‌شود در جنسیت زن برای رشد و کمال هیچ مانعیتی وجود ندارد.

سوال

^۱ سوره آل عمران، آیه ۴۲.

استاد: منافات ندارد، إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَكَ وَطَهَّرَكَ تو را پاک گردانیده است، اگر آن مسائل به نحو کلی درباره زنان بود اصلاً قابلیت تطهیر معنا نداشت. بالاخره معلوم می‌شود آن مذمت‌ها نسبت به جنس زنان قابل قبول نیست، زیرا بالاخره اگر یک قابلیت محدود داشته باشد یک حد و اندازه‌ای داشته باشد، از حد و اندازه خودش که نمی‌تواند بالاتر رود، این آیه آن نگاه را نفی می‌کند.

۲. بالقیس: بالقیس که ملکه سرزمین صبا بود وقتی به محضر حضرت سلیمان رسید خودش تاج و تخت و پادشاهی کشور پهناور صبا را در اختیار حضرت سلیمان قرار داد. خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱؛

اعتراف می‌کند و می‌گوید: من به خودم ظلم کردم و اکنون برای رب و پروردگار جهانیان، خودم را تسلیم می‌کنم و اسلمتُ مَعَ سُلَيْمَانَ. ۳. مادر حضرت موسی (ع): در مورد مادر حضرت موسی (علیه السلام) نیز این تجلیل صورت گرفته است.

۴. همسر فرعون: در جلسه قبل نیز بیان کردیم که قرآن همسر فرعون را یکی از زنانی که اسوه و الگو حتی برای مردان است معرفی کرده. یعنی در خود قرآن می‌بینیم از زنانی نام برده شده است که برجستگی‌ها و کمالاتی داشتند. پس در طول تاریخ قبل از اسلام زنانی بودند که کمالاتی داشتند و قدرتی داشتند و مورد تکریم قرار گرفتند که در قرآن به اسم چند نفر از آن‌ها اشاره شده است.

بعد از اسلام

در خود دوره اسلامی و در صدر اسلام از زمانی که پیامبر گرامی اسلام مبعوث به رسالت شد نیز زنانی در دامن اسلام پرورش یافتند که برتر از زنانی که نام برده شد بودند.

۱. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیه): ایشان دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که آیه قرآن در مورد او نازل شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچنان او را مورد تکریم قرار می‌داد که مورد حسادت واقع شده بود. نقل قضایا و داستان‌ها در این مورد به طول می‌انجامد، ولی قدر مسلم این است که حضرت زهرا (سلام الله علیه) با اینکه زن بودند، به او الهام بلکه وحی می‌شد، بعد از فوت رسول خدا ملائکه با او در ارتباط بودند و این حاکی از یک ظرفیت روحی ویژه است. ملکات و فضائلی که از ایشان نقل می‌کنند، علمشان، عبادتشان، کرامتشان، ایثارشان، گذشتشان، صبوری و شجاعتشان کانه مجموعه فضائل انسانی در چنین شخصیتی جمع شده بود، همسر حضرت علی (علیه السلام) است، این خودش افتخاری است برای حضرت علی (علیه السلام) و برای ایشان، ام الائمه است، مادر امامان معصوم (علیهم السلام) و این‌ها چیزهایی است که نمی‌شود از کنارش به راحتی عبور کرد.

۲. حضرت خدیجه: ایشان همسر گرامی رسول خدا است. خدیجه بنت خویلد که هم در زندگی رسول خدا نقش داشته و هم در زندگی حضرت علی (علیه السلام). خدیجه زن ثروتمندی بود که قبل از اسلام سرمایه او مشغول کسب و کار و تجارت بود و بعد از آن هم خودش و هم اموال و سرمایه‌اش در خدمت اسلام و ترویج شریعت محمدی قرار گرفت و خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به او با احترام و تکریم برخورد می‌کرد علاوه بر خدماتی که ایشان به خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرد به حضرت علی (علیه السلام) نیز خدمت کرد. خود رسول خدا درباره خدیجه قسم می‌خورد که خداوند بهتر از خدیجه را به من

^۱ سوره نمل، آیه ۴۴.

نداده است، در دورانی که همه مردم به من کافر بودند او به من ایمان آورد و زمانی که مرا تکذیب می‌کردند او مرا تصدیق کرد. این روایت در جوامع روایی شیعه و سنی آمده است.

۳. فاطمه بنت اسد: ایشان خود صاحب کمالات و فضایل و مادر حضرت علی (علیه السلام) بوده است و حضرت علی (علیه السلام) در دامن او تربیت شد، کسی بود که در خانه خدا وضع حمل کرد و حضرت علی (علیه السلام) را به دنیا آورد. در مورد فاطمه بنت اسد داستان زیاد است که هم کرامت‌هایی داشتند و هم اینکه چه تکریمی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به او داشت. وقتی از دنیا رفت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره او فرمود: او مادر من بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را با پیراهن خود دفن کرد و پیراهن خود را به عنوان کفن قرار داد و در هنگام مرگ او گریه می‌کرد.

۴. ام سلمه: در مورد ام سلمه موارد متعددی از این فضیلت‌ها و کرامت‌ها نقل شده است. خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از چهار زن اسم برده که اینها بهترین زنان جهان هستند: «مریم بنت عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد» این زنان را به عنوان بهترین زنان در جهان نام بردند.

شما هر چه جلوتر می‌آیید در وقایع مختلف نقش برجسته و فضیلت‌های زنان بسیاری را می‌بینیم که هم از نظر علمی و هم از نظر عملی نه تنها از بسیاری از مردان چیزی کم نداشتند بلکه به مراتب در جهات علمی و تقوایی و کمال، برتر و جلوتر از آنها بودند.

نتیجه

پس ملاحظه فرمودید که در قرآن به طور کلی در ایمان و عقل و مشورت و کسب فضائل و کمالات و تقوا به هیچ وجه مرزبندی جنسیتی نکرده و برای همه اعم از زن و مرد این امکان را فراهم دانسته که به کمالات و قله‌های کمال دست پیدا کنند.

روایات را نیز ملاحظه کردید. گزارش‌های تاریخی را نیز به طور مجمل و مختصر عرض کردیم. حال اگر بخواهیم در مورد زن از دیدگاه اسلام یک نظام معرفتی ارائه دهیم، آن قدر مؤلفه‌های بسیار مهمی وجود دارد که شاید در کمتر دین و مکتبی این چنین زن را مورد تکریم و احترام قرار داده باشد، محبوب انبیاء بودن، اینکه مایه آرامش هستند، اینکه مایه سکونت و سکینه هستند و اینکه می‌توانند خدمات فراوان و بسیاری به مردم و دین کنند، اینکه از نظر ایمان و تقوا بعضی از اینها الگو برای دیگران هستند. رؤس دیدگاه اسلام نسبت به زن در ابعاد مختلف با این سه محوری که گفتیم کاملاً قابل استفاده است. اگر بخواهیم یک فهرستی از این اصول ارائه دهیم، یک فهرست بلند و بالایی است، همانطوری که در بیان شبهه گفته شد که در این شش موضع حضرت علی (علیه السلام) این مطالب را راجع به زنان گفته است، ما هم می‌توانیم بگوییم در آیات و روایات و نقل‌های معتبر تاریخی بویژه در تاریخ اسلام این فهرست بلند و بالا و این فضائل و برجستگی‌ها را می‌بینیم که نسبت به زنان گفته شده و این بسیار مهم است.

اما دو مرحله دیگر مانده تا پاسخ کامل این مانع داده شود. در مرحله دوم ما یک کلیاتی را به عنوان کلیدها و اصولی که با آن کلید و اصول می‌توانیم این موارد را تحلیل کنیم ذکر می‌کنیم که تقریباً یک پاسخ کلی بر همین مبنا و آنچه که گفته شد می‌باشد و بعد یک پاسخ جزئی و تفصیلی نسبت به موارد شبهات می‌دهیم و اینکه چه توجیهاتی می‌توانیم برای این کلمات ذکر کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»